

Regeneration of the urban identity of old neighborhoods using cultural principles (Case study: Chandavol historical neighborhood, Kabul old city)

Safiullah Andishwar¹, Mohammad Ali Tabarsa², Sayed Ali Eqbal³

1- Master of Urban Design, Payam-e- Noor University, Kabul, Afghanistan

2- Assistant Professor, Department of Urban Design, Payam-e-Noor University, Tehran

3- Assistant Professor, Department of Urban Design, Payam-e- Noor University, Kabul

Abstract:

The present study is entitled Regeneration the urban identity of old neighborhoods using cultural principles in the historical neighborhood of Chendawol in the old city of Kabul in order to identify identifying factors and indicators in a combined way (library and field) in a specific time frame by analytical method and A description has been made. This research has been done by using a questionnaire on a sample of 357 residents over 15 years of age in Chendawol neighborhood by stratified random sampling. The obtained data were analysed using descriptive software (STATA) by descriptive and inferential statistical methods.

This study studies the identity of the neighborhood in spatial and social dimensions and to achieve the goals of factors such as residence history, sense of security, social participation, access to services and permeability, income, age, level of education, housing ownership, Environmental quality, strengthening of memorable and historical elements, have been used as independent variables of neighborhood identity. The test of research hypotheses was performed using Pearson correlation method and inspired by it, the degree of correlation and significance level between independent and dependent variables were evaluated. According to the results of this study; There was a positive and significant correlation between all independent variables except the variable (housing ownership). ($P < 0.05$) However, no significant relationship was observed between the independent variable of housing ownership ($P = 0.239$) and the dependent variable of neighborhood identity. The results showed that 81% of the respondents were inclined to live in this neighborhood and about 72% of the respondents mentioned the repair and improvement of historical and worn-out structures as important reasons for achieving the neighborhood identity and attachment to the place. The results of this study indicate that, on average, about 68% of neighborhood identity is predicted and explained by social and spatial identity variables.

Keywords: Neighborhood identity, Dilapidated and historical context, Regeneration, Cultural principles, Chendawol neighborhood.

Citation: Andishwar , S., Tabarsa , M. A., & Iqbal, S. A. (n.d.). Regeneration of the urban identity of old neighborhoods using cultural principles (Case study: Chandavol historical neighborhood, Kabul old city). *Journal of Urban Planning and Architecture*, 2(3), 1–20.

بازآفرینی هویت شهری محلات قدیمی با بهره گیری از اصول فرهنگی (مطالعه موردی: محله تاریخی چنداول، شهر کهنه کابل)

صفت الله اندیشور^۱، دکتر محمد علی طبرسا*^۲، دکتر سیدعلی اقبال^۳

۱- ماستر طراحی شهری دانشگاه پیام نور کابل افغانستان

۲- استادیار گروه طراحی شهری، دانشگاه پیام نور تهران

۳- استادیار گروه طراحی شهری، دانشگاه پیام نور کابل

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان باز آفرینی هویت شهری محلات قدیمی با بهره گیری از اصول فرهنگی در محله تاریخی چنداول شهر کهنه کابل به منظور شناسایی عوامل و شاخص های هویت بخش به صورت ترکیبی (کتابخانه ای و میدانی) در میعاد زمانی مشخص به روش تحلیلی و توصیفی انجام یافته است. این پژوهش با بهره گیری از ابزار پرسش نامه بر روی نمونه ی ۳۵۷ نفری از ساکنین و بالاتر از ۱۵ سال محله چنداول به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انجام یافته است. داده های حاصله با استفاده از نرم افزار (STATA)، به وسیله روش های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش هویت محله را در ابعاد مکانی و اجتماعی مورد مطالعه قرار داده و جهت نیل به اهداف مطروحه از عوامل چون سابقه سکونت، احساس امنیت، مشارکت اجتماعی، دسترسی به خدمات و نفوذ پذیری، میزان درآمد، سن، سطح تحصیل، مالکیت مسکن، کیفیت محیطی، تقویت عناصر خاطره انگیز و تاریخی، به عنوان متغیرهای مستقل هویت محله بهره برده شده است. آزمون فرضیه های پژوهش با استفاده از روش همبستگی پیرسون انجام و با الهام از آن میزان همبستگی و سطح معناداری میان متغیرهای مستقل و وابسته مورد ارزیابی قرار گرفته است. با توجه به نتایج حاصله از این پژوهش؛ میان همه متغیرهای مستقل به استثنای متغیر (مالکیت مسکن) رابطه همبستگی مثبت و معنادار وجود داشته است. ($P < 0.05$) این درحالیست که میان متغیر مستقل مالکیت مسکن ($P = 0.239$) با متغیر وابسته هویت محله رابطه معنادار مشاهده نه شد. نتایج بررسی ها نشان داد که ۸۱ درصد پاسخ دهندگان متمایل به زندگی درین محله بوده و حدود ۷۲ درصد پاسخ دهندگان مرمت و بهسازی بافت های تاریخی و فرسوده را از علل مهم دستیابی به هویت محله و دلبستگی به مکان عنوان نموده اند. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از این است که، طور میانگین حدود ۶۸ درصد هویت محله به وسیله متغیرهای هویت اجتماعی و مکانی پیش بینی و تبیین می گردد.

واژه های کلیدی: هویت محله، بافت فرسوده و تاریخی، بازآفرینی، اصول فرهنگی، محله چنداول.

استناد: اندیشور ص. ا، طبرسا م. و اقبال س. (۱۴۰۰). باز آفرینی هویت شهری محلات قدیمی با بهره گیری از اصول فرهنگی (مطالعه موردی: محله تاریخی چنداول، شهر کهنه کابل). مجله شهرسازی و مهندسی، ۲(۳)، ۱۹-۲.

مقدمه:

هویت شهری مفهومی است پیچیده و چند بعدی که دانشمندان و پژوهشگران از ابعاد مختلف و رویکرد های متفاوت به بسط و تبیین این موضوع پر داخه اند. شهر مجموعه از عوامل و عناصر زنده و پویاست که هویت آن در گذر زمان ایجاد گردیده و عناصر تشکیل دهنده محیطی آن مانند ساختمان ها، گذرها، میادین و فضاهای حضور پذیر اجتماعی با الهام از فرهنگ و ارزش های معنوی جامعه انسانی ایجاد و روح تازه می یابند.

شهر ها و محلات در گذشته از هویت و ویژگی های اجتماعی خاص برخوردار بودند که در سالیان اخیر به دلیل رواج نامطلوب شهرنشینی و رشد نا موزون شهر ها، فقر و نبود زمینه کار در مناطق پیرامونی شهرها و مهاجرت های گسترده به مراکز شهری سبب ایجاد فاصله های اجتماعی، از هم گسیختگی و احساس بیگانگی میان ساکنین محلات و در فرجام دوام این وضعیت منتج به آسیب بافت های تاریخی و بی هویتی محلات شهری گردیده است. بنا برین وضعیت؛ حفظ اصالت بافت تاریخی به هدف تقویت هویت شهر ها یک امر ضروری پنداشته میشود.

اهمیت و ضرورت حفظ آثار کهن نه به عنوان پدیده های نمادین، بلکه به دلیل شناخت سیر تحول و تکامل تاریخ شهرسازی و تمدن شهر نشینی، حفظ هویت و اصالت شهری و تبیین حیات شهری بر اساس شواهد و مدارک علمی همواره مورد توجه بوده است، (شماعی و پور احمد، ۱۳۸۴: ۲۵).

با توجه به چالش ها و مشکلات ناشی از عدم هویت شهری مناطق و محلات در عصر حاضر محققین و مسئولین امور شهری را به این وا داشته که بدون رعایت اصول و عوامل هویت بخش شهری به بهبود کیفیت محیط های پاسخده نیازهای مادی و معنوی شهروندان ناممکن خواهد بود. در حال حاضر ایجاد هویت در مناطق شهری با استفاده از تقویت و حفظ عناصر و نماد های هویت بخش طبیعی و انسانی یکی از موضوعات ارزشمند و اساسی در فرآیند برنامه ریزی شهری و شهرسازی به عنوان یک ضرورت انکار ناپذیر در بعد توسعه پایدار محیط های شهری مطرح میگردد.

درین پژوهش سعی بر آن است که جهت دستیابی به هویت شهری محله تاریخی چنداول با اتخاذ رویکرد باز آفرینی با بهره گیری از اصول و ارزش های فرهنگی محدوده، بحث هویت شهری را از زوایای مختلف مورد مطالعه قرار داده و ضمن شناسایی و تشخیص عوامل و مولفه های هویت بخش محله را به صورت مفصل در ابعاد مختلف محیطی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و کالبدی در بستر مکانی - زمانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

اهداف پژوهش**هدف کلی**

باز آفرینی هویت شهری محله چنداول با تشخیص، شناسایی و تقویت مولفه های هویت بخش به منظور دستیابی به هویت و اصالت تاریخی و فرهنگی محله.

اهداف اختصاصی

- شناسایی و تقویت مولفه های هویت بخش محله جهت حفظ و احیای هویت مکانی و اجتماعی بافت های قدیمی محله از طریق مرمت و بهسازی اماکن ارزشمند تاریخی و مذهبی؛
- بررسی میزان تعلق خاطر ساکنان نسبت به محله، بازبایی و تقویت نقش فرهنگی و مذهبی محله جهت نیل به ارتقای کیفیت محیطی و زندگی شهروندان و همچنان توسعه فضاهای عمومی محله جهت افزایش تعامل اجتماعی ساکنان.

سوالات و فرضیه های پژوهش**سوالات پژوهش**

- عناصر و مولفه های اساسی هویت بخش در بافت تاریخی محله چنداول چیست و آیا مرمت و بهسازی اماکن تاریخی سبب بهبود کیفیت محیطی و احیای هویت شهری محله میگردد؟

■ آیا میان متغیرهای سابقه سکونت (مدت اقامت افراد در محله)، احساس امنیت و آسایش شهروندان در محله، مشارکت اجتماعی، دسترسی به خدمات و نفوذ پذیری، سطح در آمد و تحصیل افراد، مالکیت مسکن با تعلق مکانی و اجتماعی ساکنین و هویت محله رابطه معنادار وجود دارد؟

فرضیه های پژوهش

- به نظر می رسد که عناصر اساسی هویت بخش بافت تاریخی محله عبارت اند از، اماکن مذهبی و فرهنگی، بناهای ارزشمند معماری و تاریخی، انجام مراسم مذهبی و فرهنگی خاص محلی بوده، مرمت و بهسازی اماکن تاریخی سبب بهبود کیفیت محیطی و احیای هویت گذشته محله می گردد؛

- به نظر می رسد که میان متغیرهای سابقه سکونت (مدت اقامت افراد در محله)، احساس امنیت و آسایش شهروندان در محله، مشارکت اجتماعی، دسترسی به خدمات و نفوذ پذیری، سطح در آمد و تحصیل افراد، مالکیت مسکن با تعلق مکانی و اجتماعی ساکنین و هویت محله رابطه معنادار وجود دارد.

پیشینه تحقیق

پژوهشگران و محققین زیادی در ابعاد مختلف به بررسی عوامل و شاخص های تاثیر گذار بر هویت محله ی در جوامع آماری متفاوت پرداخته اند. جهت تبیین موضوع در این بخش مرتبط ترین پژوهش ها و نظریه های محققان مختلف در زمینه عوامل موثر بر هویت محله ی مورد بررسی قرار گرفته است:

- استیون تیزدل، ترنر اک و تیم هیث (۱۳۷۹)، در موضوع پژوهشی تحت عنوان (به سوی احیای موفقیت آمیز محله های تاریخی شهر) به بررسی ابعاد مختلف شاخص های هویت بخش محله پرداخته، نتایج و دریافت های آن ها نشان میدهد که در احیاء هویت شهری و حس تعلق به مکان، مشارکت اجتماعی، سطح رفاه و میزان در آمد ساکنین نقش برجسته داشته و با تقویت آن میتوان بر اهداف مطلوب نایل آمد.

- مصطفی، بهزادفر (۱۳۸۶)، در کتاب خود با عنوان هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)، به بررسی ابعادی مفاهیم، مبانی و چالش های هویت شهری به ویژه مشکلات و نارسایی های موجود شهر تهران پرداخته و عوامل چون، کیفیت محیط، مسئولیت پذیری اجتماعی، مدیریت شهری کارا، توسعه فضاهای باز جهت تفریح و گردش از مولفه های مهم هویت بخش شهری عنوان نموده و تقویت نقش این مولفه ها را امر لازمی پنداشته اند.

- قاسمی و نگینی (۱۳۸۹)، در پژوهش تحت عنوان " بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله ی در شهر اصفهان " به بررسی و شناخت عوامل مهم و تأثیر گذار بر احساس هویت مندی در محلات امروز پرداخته اند. نتایج پژوهش شان مبین این امر است که بافت محلات بر هویت اجتماعی محله تأثیر به سزا داشته و هویت محله متأثر از هویت مکانی و عملکرد های اجتماعی بافت میباشد. یافته های این پژوهش نشان میدهد که بین متغیرهای نفوذ پذیری و درهم تنیدگی اجتماعی و هویت محله رابطه معنا دار و پیوسته وجود دارد.

- حمید رضا وارثی، مهدی عامل بافنده و محمد محمد زاده (۱۳۸۹)، در پژوهش خود تحت عنوان (بررسی و تحلیل مولفه های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید. مطالعه موردی: شهر گلپههار) به بررسی ابعاد و عوامل هویت بخش شهرهای جدید پرداخته و نتایج پژوهشات ایشان نشان میدهد که میان متغیر مستقل مدت زمان سکونت افراد در محله و تعلق مکانی رابطه مستقیم و همبستگی کامل وجود دارد. ایشان تأکید بر این دارند که پیامد نادیده گرفتن نقش مولفه ها و عناصر هویت بخش در فرآیند ساخت و ساز محیط های شهری ایجاد محیط های مصنوع و تهی از هویت انسانی میباشد.

- رسول ربانی، سمیه کریمی زاده اردکانی و جواد نظری (۱۳۸۹)، در پژوهش خویش تحت عنوان (بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی شهرهای جدید، مطالعه موردی: شهر پردیس تهران)، به بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی ساکنین شهرهای جدید پرداخته اند. نتایج پژوهش ایشان نشان میدهد که میزان هویت اجتماعی شهری بر حسب متغیرهای نوع

منزل مسکونی، قومیت و تحصیلات افراد باهم متفاوت بوده و متغیرهای خدمات و فعالیت های تولیدی، امنیت عاطفی و روانی شهروندان بیشترین تاثیر را بر میزان هویت اجتماعی ساکنین شهر پردیس داشته است.

-اکبر کیانی، فرضعلی سالاری، سردری و محمد صادق افراسیابی راد (۱۳۸۹)، در مقاله تحت عنوان «بررسی هویت شهری در بهسازی و نوسازی بافت های تاریخی. مطالعه موردی: شهر گور - فیروز آباد» به بررسی های همه جانبه پیرامون نقش عملکردی و کالبدی بافت ها و فضاهای شهری پرداخته و نقش کیفیت محیط را در بهبود حس سرزندگی و پویای اجتماعی اثر گذار دانسته و برای رفع مشکلات موجود بافت های تاریخی راهکار های متناسب ارائه نموده اند.

-احمد پور احمد، کیومرث حبیبی و مهناز کشاورز (۱۳۸۹)، در پژوهش خویش با عنوان (سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت های فرسوده شهری) سیرزمانی و تحول مفهومی و تکامل باز آفرینی شهری را در محور موضوع مرمت و بهسازی شهری با رویکردهای باز سازی، باز زنده سازی، نوسازی و توسعه مجدد که در فرجام به شکل گیری مفهوم باز آفرینی شهری منجر گردیده، با روش های تحلیل و توصیفی مورد بررسی قرار داده و برحسب مطالبات جدید، رعایت جنبه های مختلف کالبدی، اجتماعی، اقتصاد، زیست محیطی و عملکردی از ویژگی های بارز رویکرد باز آفرینی شهری عنوان نموده اند.

-سید محسن حبیبی و سید کهربا سید برنجی (۱۳۹۲)، در موضوع پژوهشی خویش تحت عنوان (رابطه بین خاطره انگیزی و مشارکت اجتماعی در بازآفرینی هویت شهری، نمونه موردی: میدان شهرداری رشت)، به بررسی رابطه میان شاخص ها و مولفه های مشارکت اجتماعی و خاطره انگیزی اماکن تاریخی پرداخته و نتایج پژوهش ایشان نشان میدهد که بین خاطره انگیزی و مشارکت اجتماعی با متغیر وابسته هویت مکان رابطه مستقیم وجود داشته و نقش شاخص خاطره انگیزی در افزایش هویت مکان برجسته تر است.

-فرزانه احمدی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش خویش تحت عنوان (بررسی معیارهای مؤثر بر سرزندگی اجتماعی در بافت های فرسوده شهری بافت فرسوده آبکوه، مشهد) به بررسی معیارهای مؤثر بر سرزندگی و هویت درین محدوده شهری پرداخته اند، نتایج پژوهش آنها نشان میدهد که بین متغیر های معیار پویایی، جذابیت، حس تعلق و تعاملات اجتماعی رابطه مستقیم وجود داشته و با تقویت آن، مولفه سرزندگی به کمال میرسد.

-الهام صالحی و ساسان لاریجانی (۱۳۹۴)، در مقاله تحت عنوان (باز آفرینی بافت های تاریخی با تکیه بر احیاء عوامل و مولفه های هویت فرهنگی) ضمن ارائه راه حل های مطلوب برای رسیدن به احیاء و حفظ هویت شهری با رعایت اصول فرهنگی؛ در نتیجه انجام پژوهشات خویش به این نتیجه رسیدن که بهره گیری هرچه بیشتر از مولفه های هویت فرهنگی در فرآیند پژوهش می توان میزان موفقیت امر باز آفرینی بافت تاریخی و پایداری اجتماعی را افزایش بخشید.

-شادی، محمدی (۱۳۹۵)، در پژوهش خود تحت عنوان (چارچوب باز آفرینی محله سنبلستان با رویکرد گردشگری شهری)، ابعاد و شاخصه های باز آفرینی شهری مبتنی بر احیاء و ارتقای کیفیت محیطی شهری را مورد ارزیابی قرار داده و رویکرد باز آفرینی را به عنوان بهترین روش مداخله در بهسازی و مرمت محلات شهری تلقی نموده است.

-محمود قلعه نویی، امیر محمد معززی و مهر طهران (۱۳۹۵)، در پژوهش تحت عنوان (بررسی نقش فرهنگ در احیای محلات تاریخی با تاکید بر رویکرد محله فرهنگی)، پرداخته اند، نتایج این پژوهش به گونه واضح نشان میدهد که مولفه های فرهنگی (باور ها، ارزش ها، آداب و رسوم و اعتقادات) نقش تنگاتنگ با شهر و مسایل شهری داشته که تقویت آن باعث حفظ و دستیابی به هویت تاریخی محلات و خاطرات گذشته میگردد.

-محمد رضا، بذر گر (۱۳۹۶)، در مقاله پژوهشی خویش تحت عنوان (بررسی نقش المان های شهری در تقویت هویت کالبدی؛ مطالعه موردی شهر شیراز)، نقش المان های شهری را در خاطره انگیزی فضاهای شهری و فرآیند شکل گیری و احیاء هویت شهری مهم دانسته و تاکید بر حفظ، تقویت و جابجای المان ها متناسب با محیط های شهری داشته و آنرا وسیله دستیابی به هویت شهری قلمداد میکند. نتایج پژوهشات ایشان بیانگر این است که مهم ترین مؤلفه های اثرگذار بر هویت کالبدی المان های شهری بر اساس نظر شهروندان شامل؛ طراحی، فرم و معماری المان، تاریخی بودن و بومی بودن (زمینه گرایی) می باشد.

-مولوی، ابراهیم و صوفی، مریم (۱۳۹۹)، در پژوهش خویش تحت عنوان (باز آفرینی محلات سنتی با تکیه بر هویت و فرهنگ بومی و شهرسازی ایرانی اسلامی، نمونه موردی: محله حاجی همدان)، به بررسی نقش رویکرد باز آفرینی شهری در احیای بافت تاریخی محلات شهری پرداخته و با عنایت به جنبه های مختلف این رویکرد، راهکارهای خوبی را در حوزه بازآفرینی و کیفیت های محیطی و جنبه های فرهنگی - اجتماعی محلات شهری را جهت ارتقای هویت محله ی ارائه داشته اند.

مبانی نظری پژوهش

هویت شهری

هویت شهری از ویژگی های بارز یک شهر است که وجه تمایز یک شهر و با شهر دیگر می باشد، مکان های هویت مند از طریق مشارکت اجتماعی شهروندان و جاذبه های مکانی خویش سبب تقویت، رشد و توسعه شهری میگردد. ایجاد هویت در شهر ها از طریق تقویت و جای گزینی نماد های طبیعی و انسانی امکان پذیر می باشد که با حفظ و تقویت عناصر هویت بخش، میتوان به محیط شهری سر زندگی و نفوذ پذیر نایل آمد. بافت های تاریخی بازتاب از ارزش های فرهنگی ساکنین شهر و محلات بوده که مرمت، بهسازی و نو سازی آن به عنوان عامل اساسی هویت شهر امری لازمی پنداشته شده و تاکید می گر دد. باز سازی و بهسازی بافت تاریخی باید با رعایت کامل اصول حفاظت آثار تاریخی و مقتضیات مکانی و اجتماعی به هدف حفظ و باز آفرینی اصالت و هویت شهری صورت گیرد. (کیانی، سالاری سردری و افراسیابی راد، ۱۳۸۹) هویت در شهر به واسطه ایجاد تداعی خاطرات عمومی در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده که شهرنشینان را را به سوی شهروند شدن که گستره ی فعال تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت میکند.

هویت محله ی

ساروجانی در دایره المعارف علوم اجتماعی ذیل واژه هویت این چنین آورده است: کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویشتن است (ساروخانی، به نقل از گافمن، ۱۳۷۰: ۴۲۳). مؤلفه های شخصیت یک شهر، همانند مؤلفه های شخصیتی انسان دارای دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی است که میتواند از طریق سه محیط طبیعی، مصنوع و انسانی از همدیگر تفکیک گردند. متغیرهای هر یک از این مؤلفه ها، چنانچه دارای صفات اختصاصی و برجسته باشند نقش شاخص و معرف هویتی را ایفا می کنند (بهزاد فر، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۸). تقویت هویت یک مکان به معنای تقویت مفاهیمی چون احساس تعلق با محیط، خاطره انگیزی، حس مکان، احساس امنیت و خوانایی است (میر مقتدایی و طالب، ۱۳۸۵)، هویت محله ای را احساس تعلق به یک محله مسکونی تعریف می کنند (فاث، ۲۰۰۴: ۸-۹).

جدول شماره ۱: مولفه های هویت شهر

ابعاد و مولفه ها	علایم و شاخص ها
مولفه های طبیعی هویت شهر	جایگاه کلی طبیعی (طول و عرض جغرافیایی آن شهر و شاخص های وابسته)
	مولفه های ساختاری جغرافیایی (توپو گرافی، هیدروگرافی و شاخص های وابسته)
	مولفه های ساختاری طبیعی (رود و دره ها)
	مولفه های حوزه ای و ساختی طبیعی (تنوع خاک، پوشش گیاهی و سرریز حوض ها)
	مولفه های نقطه ی (چشمه ها، تپه و غیره)
	مولفه های نقطه ای خطی (مسیر های آب)
مولفه های مصنوع هویت شهر	منظر عمومی: کلیت فرم شهر با دید پرنده (خطی - شطرنجی، شعاعی یا ارگانیک)
	عناصر خطی - ساختاری شاخص: خیابان های اصلی ساخت شهر
	شاخص های کانونی و نقطه ای شهری: میدان، دروازه ها، پارک ها و غیره
	شاخص های خطی - نقطه ای تاریخی و کالبدی: کاخ ها، بازار ها و غیره

تک بناهای شاخص شهری	مولفه های انسانی هویت شهر
توده ها، حوزه ها و فضاهای شاخص شهری: محله های قدیمی شهر قدیم، مجموعه ساختمان های مسکونی و نظیر این ها	
تبار و نیاکان	
اوضاع دینی و مذهبی	
آداب و رسوم	
زبان	

(Nasr, 2013 a, According to Behzadfar, 2007, pp. 58 - 57)

خاطره جمعی

خاطره جمعی یکی از مولفه های سازنده هویت شهری بوده که محصول زندگی اجتماعی شهروندان است. خاطره عبارت توانایی ذهنی افراد در باز یافت وقایع گذشته و تجارب زندگی آنان بوده که سبب پیوند میان اعضای جامعه و ارتقای روحیه مشارکت اجتماعی میگردد. خاطره جمعی نقش اثر گذار در تقویت و حفظ هویت شهری داشته که سبب ایجاد حس تعلق به مکان و پیوند خاطرات جمعی با محیط کالبدی میگردد (حسینی کومله و ستوده علمباز، ۱۳۹۲).

بازآفرینی (مفهوم شناسی بازآفرینی شهری)

بازآفرینی به عنوان یک مفهوم عام در ادبیات شهرسازی مفاهیم بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی، روان بخشی و نوزایی شهری احتوا نموده و به عنوان بهترین رویکرد حفاظت شهری متکی بر تحلیل دقیق وضع موجود یک محله و یا منطقه شهری، انطباق هم زمان بافت کالبدی، ساختارهای اجتماعی، بنیان اقتصادی و وضع محیط زیست یک محدوده را در بر میگیرد. باز آفرینی معادل واژه (Regeneration) و در بر گیرنده مفاهیمی چون تولد دوباره، تجدید حیات و باز ساخت بوده که در صحنه اقدامات شهری از دهه ۱۹۸۰ میلادی و به شکل گسترده پس از سال ۱۹۹۵ ترویج و وارد گردید (Cowan. 2005). این رویکرد دید راهبردی جامع بر مسایل و فعالیت های شهری در ابعاد اجتماعی، محیطی، فرهنگی و اقتصادی داشته و در کل به سلسله اقدامات و سیاست های اطلاق میگردد که به هدف بر طرف ساختن زوال، فرسودگی بافت های قدیمی پرداخته و به منظور ایجاد شرایطی بهتر و بهبود کیفی محیط های شهری طرح میگردد. به صورت عینی اصطلاح باز آفرینی شهری در دهه ۱۹۸۰ به مقصد جایگزینی مناسب برای نوسازی شهری (Urban Renewal)، رواج یافت. این اصطلاح نخست توسط بخش خصوصی به کار گرفته شده و بعداً برای تمام توابع تغییرات مثبت شهر از حیث شکل ظاهری مورد استفاده قرار گرفت. سازمان شراکت انگلس (Partnerships English) این اصلاح را در سال ۲۰۰۳ به عنوان ایجاد فرآیندی در مکانی با اقتصاد رو به زوال، تخریب فیزیکی و اجتماعی حوزه های مربوطه تعریف نمود. (Cowan. 2005). باز آفرینی شهری با تمایل راهبردها و تدابیر جامع خود، بیشتر توجه و تمرکز به بهبود مداوم شرایط اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی دارد (Roberts and Skykes, 2000: 17).

جدول شماره ۲: اصول فرآیند و باز آفرینی شهری

اصول	فرآیند
بهبود تنوع کاربری	ایجاد گستره وسیعی از اختلاط کاربری های مختلف برای ایجاد یک محیط تجاری و تفریحی سرزنده و متنوع، فراهم آوردن بهانه های متنوع برای مردم جهت باز دید و ماندن در قلب شهر در طول روز.
تشویق فشرده‌گی	فشرده‌گی در محدوده مرکزی شهر باید فشرده بوده و فراهم نمودن حجم بالایی از فعالیت ها با قابلیت دسترسی آسان پیاده.
ایجاد تراکم توسعه	ساخت و ساز پروژه های بزرگ مقیاس با توجه به حفظ سرمایه های موجود و نداشتن تاثیرات منفی بر ویژگی های ملوب مرکز شهر.

اطمینان حاصل نمودن از توازن فعالیت ها	وجود توازن فعالیت ها در طول روز و عصر در مرکز شهر و برقرار بودن سرزندگی حوزه مرکزی در طول روز.
بالا بردن سهولت دسترسی	فراهم نمودن یک الگوی حرکتی تعریف شده متشکل از محیطی پاسخده برای نیازهای کیفی عابران پیاده، دسترسی مؤثر با خودروی شخصی و دسترسی به حمل و نقل همگانی، تشویق به پیاده روی با قایل شدن حق تقدم عابران پیاده و زندگی بخشیدن به شهر.
آفرینش پیوندهای عملکردی	امکان تردد پیاده مردم بین مراکز فعالیتی از طریق مسیرهای ارتباطی مستقیم، جذاب و راحت به صورت شبکه ای یکپارچه و از طریق طراحی منحصر به فرد منظر خیابان، فضاهای باز و کاربری های فعال سطح خیابان.
ساختن یک سامانه هویتی مثبت	ایجاد مراکز خرید و فروش، فعالیت های فرهنگی، تفریحی و ورزشی و برنامه های برگزاری مراسم خاص برای ایجاد تصویر ذهنی مطلوبی از شهر و برای خلق مکان جذاب و دلپذیر برای تعامل اجتماعی مردم.

(Paumier, 2010, pp. 22 - 25)

روند تحول و تکامل رویکرد باز آفرینی شهری

بازآفرینی شهری از سیاست های شهری کشور انگلستان نشئت میکند، مفهومی هنجاری است که ظرفیت و ارزش خود را از چندین دهه تجربه مرمت شهری، به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم یافته است که می توان به خط مشی اتخاذ شده در دهه ۱۹۵۰ اشاره داشت که بر بازسازی تخریبات ناشی از جنگ تمرکز داشته و برای رفع معضلات به وجود آمده سلسله اقدامات و تدابیر مشخص عملی گردید. برای جبران صدمات و تخریبات پس از جنگ، در دهه های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ برنامه های مختلف توسعه ای شهری در سطح جهان در چارچوب طرح های بازسازی جامع و متعاقباً طرح های باز زنده سازی و نوسازی شهری طرح و تدوین گردید. با در نظر داشت سیر تحول و تکامل رویکرد باز آفرینی شهری، سیاست های باز آفرینی شهری شامل چهار رویکرد اصلی در دهه های ۱۹۶۰ - ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ - ۱۹۹۰ می باشد:

جدول شماره ۳: راهبردهای باز آفرینی شهری

ابعاد	شاخص ها
فرهنگ ابرازی	استفاده از سرمایه های فرهنگی به عنوان گزینه ای موفق در عرصه مرمت و بهسازی شهری با استفاده از ارزش های تاریخی و فرهنگی به عنوان منابعی برای توسعه.
مباحث زیست محیطی و کالبدی	اجرای کار مداخله ای و هرگونه پروژه با اهداف زیست محیطی و کالبدی از قبیل حمل و نقل عمومی، کاهش و هدر رفتن انرژی، حفظ منابع آب و اراضی.
صنعت زدایی	دگرگونی کالبدی مناطق ویران شده به خصوص در نواحی قبلاً صنعتی نیمه ویران از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ گرایش بین المللی یافت.
خدماتی شدن	حمایت از توسعه صنعت و تجارت، خلق محیط زیست مناسب از جمله راهکارهای توسعه مستغلات تجاری در مناطق فرسوده در دستور کار قرار گرفت.
توسعه از درون	به جهت احیاء اقتصادی بخش های درونی شهرها، ساختمان سازی روی زمین های درون شهرها به عنوان راه حلی برای مشکلات شهری رو به رشد معاصر اهمیت یافت.
نگرش مشارکتی	تحقق عملی اختیار دادن به جامعه محلی از طریق فعالیت، سازماندهی، رهبری و ظرفیت سازی با هدف رشد جوامع و فعالیت های تجاری و اقتصادی مبتنی بر جوامع محلی.

(مأخذ: حجازی و دیگران به نقل از آیینی و اردستانی، ۱۳۸۸)

جایگاه فرهنگ در رویکرد باز آفرینی

فرهنگ به عنوان عامل اساسی جهت کارایی نقش مثبت باز آفرینی شهری میباشد (Pouzoulet & Portes, 1998). این سیاست به عنوان راهبردی جامع تر اهداف و رویکرد های حفاظت را نیز در بر می گیرد. از دهه ۱۹۸۰ آغاز و تا کنون نیز ادامه دارد، به ویژه در دهه ۱۹۹۰، انگیزه و اهداف معاصر سازی و باز آفرینی مبتنی بر فرهنگ به صورت موج گسترده پروژه های باز آفرینی شهری را در سراسر اروپا تحت تاثیر قرار داده است. طی این دوران سیاست های فرهنگی و حفاظتی توسعه و تکامل یافته و به جز مهمی از راهکار ها و تدابیر فیزیکی و اقتصادی باز آفرینی در بسیاری از شهرهای اروپای غربی گردید. نهضت موزه سازی در اروپا که بعد از فروپاشی دیوار برلین منجر به ایجاد حرکت تازه جهت دوباره زنده ساختن خاطرات جمعی و ایجاد هویت تازه برای شهرها گردید (Bianchini & Parkinson, 1993).

بافت فرسوده شهری

بافت فرسوده شهری به عرصه هایی از محدوده ی قانونی شهرها اطلاق میگردد که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، تأسیسات، خدمات و زیرساخت های شهری، آسیب پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند. این بافت ها، به دلیل فقر ساکنان و مالکان آن ها، امکان نوسازی خود به خودی را نداشته و نیز، سرمایه گذاران انگیزه ای برای سرمایه گذاری در آن را ندارند (حبیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۶)

ضرورت نوسازی بافت های فرسوده شهری

ارتقاء بهره وری شهر: به معنی استفاده از همه منابع و امکانات به نفع توسعه شهر؛

جلوگیری از توسعه افقی شهر: با توجه به توسعه روزافزون شهرها هر روزه بیشتر با توسعه افقی شهر و طبعاً فرسودگی بیشتر بافتها مواجهیم که دخالت در ساختار آنها را گریز ناپذیر میکند؛

مقاوم سازی در برابر زلزله های احتمالی؛

لزوم پاسخگویی مدیریت: مدیریت شهری با توجه به اینکه ارتباطی مستقیم با زندگی روزمره مردم دارد- تأثیر زیادی بر نگرش مردم نسبت به مدیریت کلان کشور می گذارد؛

پیشگیری از جابجایی بی رویه جمعیت: با توجه به فرسودگی بافت و جلوگیری از متروکه شدن آنها و به طور کلی مدیریت مهاجرت مداخله در بافت های فرسوده ضروری به نظر می رسد؛

ایجاد عدالت اجتماعی، مقابله با فقر، خدمت رسانی مطلوب شهری و... (ناظمی، ۱۳۹۵: صفحه ۶، به نقل از حسینی، ۱۳۸۷).

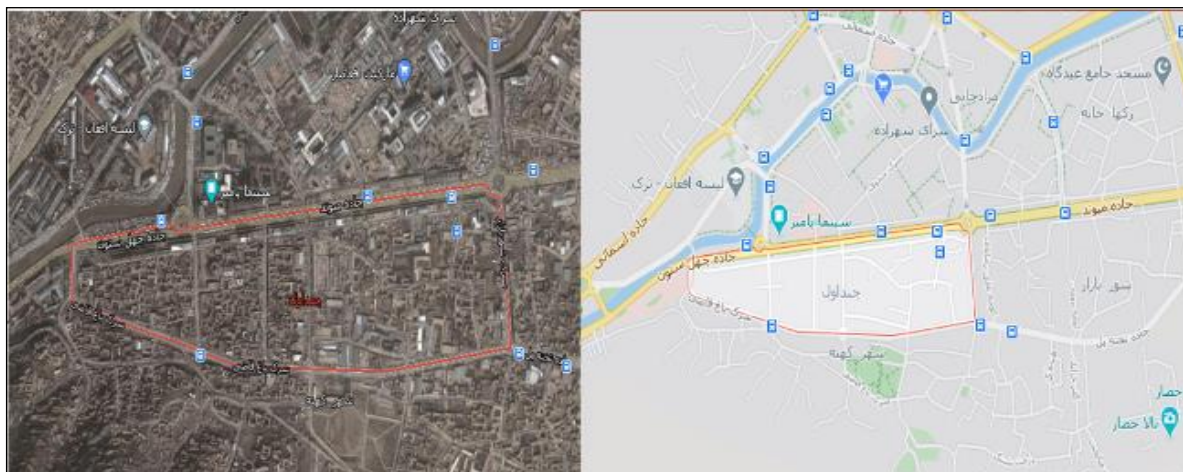
معرفی محدوده پژوهش

ساحه مورد مطالعه در قسمت مرکزی شهر کابل و در ساحه جنوب غربی ناحیه اول شهر قدیم کابل استقرار یافته و دارای بافت تاریخی و ابنیه های قدیمی میباشد. چندانول دارای مساحت ۳۴۳،۸۳۸ متر مربع بوده و حدود ۱۸۱۵ متر از سطح بحر ارتفاع دارد. این محدوده شامل چندین گذر و کوچه های متعدد می باشد (منبع: شهرداری کابل) بیشتر بناهای محله مرمتی می باشند که تعداد زیادی بافت تخریبی و هم چنین آثار تاریخی نیز مشاهده می شود. اکثر ساختمان های محله یک طبقه هستند و تعداد کمی ساختمان های تازه ساخت ۲-۴ طبقه نیز مشاهده می شود که البته به سرعت در حال افزایش اند. مصالح به کار رفته در این محله با توجه به مشاهدات میدانی اغلب از اسکلت های آجر و چوبی می باشد. نماهای ساختمان ها نیز بیشتر نماهای آجری و کاه گلی می باشد. (منبع: نگارنده)

بافت تاریخی منطقه چندانول کابل با داشتن شاخصه های مهم شهری و تاریخی یکی از محور های مهم در بافت قدیمی شهر کابل محسوب گردیده و با در نظر داشت بررسی های انجام شده، حفظ، مرمت و بهسازی بافت های تاریخی محدوده قابلیت احیا و بازیافت هویت گذشته تاریخی خویش را داشته و با تقویت عملکردهای شهری میتوان به نتایج ملموس دست یافت.

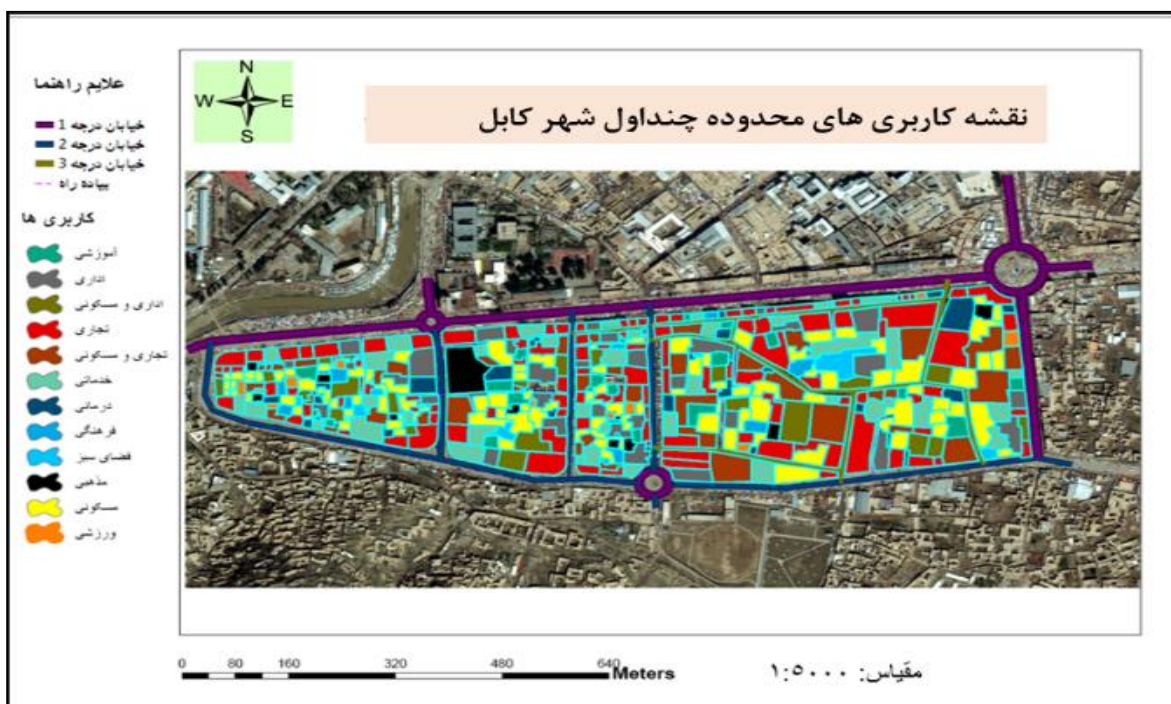
بافت قدیمی چنداول به واسطه بناهای ارزشمند تاریخی و وجود عناصر معماری آمیخته با هنر و هویت محلی ظرفیت تبلور فرهنگ جامعه را داشته، احیاء و سازماندهی سازگار با مرمت اصولی ابنیه های تاریخی در کالبد بافت های فرسوده محدوده می تواند باعث رونق صنعت گردشگری، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گردد.

نقشه شماره ۱: محدوده چنداول شهر کهنه کابل



منبع: گوگل مپ و نگارنده

نقشه شماره ۲: چگونگی توزیع کاربری های موجود محدوده مورد مطالعه (محله چنداول)



منبع: گوگل مپ و نگارنده

روش انجام پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی میباشد. از لحاظ ماهیت پژوهش، پژوهش حاضر کمی و کیفی (ترکیبی) می باشد؛ زیرا که مطالعات و بررسی های انجام شده بر محور مولفه ها و عوامل موثر بر هویت بخشی بافت های تاریخی و قدیمی حاصل اتخاذ روش کیفی بوده و در نهایت با تدوین چارچوبی مفهومی و تحلیل آن در قالب پرسشنامه، بررسی های میدانی و استفاده از نرم افزار آماری، برنامه (STATA) به سوی روش های کمی سوق پیدا کرده است.

روش گردآوری اطلاعات، ترکیب از روش (کتابخانه‌ی و میدانی) بوده که از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات، مجلات و طرح‌های پژوهشی، اسناد متنی و تصویری و جستجوی منابع اینترنتی به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌شود. پاسخ‌های دریافتی از پاسخگویان و روابط بین متغیرها با استفاده از روش‌های آماری آلفای کرونباخ، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون دو گانه در بسته نرم‌افزاری (STATA) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. به منظور سنجش سازگاری درونی گویه‌های پرسشنامه این پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده، هر چه مقدار ضریب آلفا به یک نزدیکتر باشد، گویه‌ها انسجام درونی بیشتری دارند. با توجه به محاسبات انجام شده در برنامه STATA، مقدار ضریب آلفا مقدار ۰.۸ سنجش گردیده که مبنای پایایی لازم متغیرها و گویه‌های پرسش‌نامه می‌باشد. همچنان برای بررسی روایی یا اعتبار پرسش‌نامه مطروحه، از فرمول اعتبار محتوایی به روش (CVR) بر اساس مدل لاوشه (۱۹۷۵) استفاده صورت می‌گیرد.

به منظور تحقق این امر، ابتدا پرسش‌نامه تهیه شده را به تعداد ۱۵ نفر از کارشناسان و خبرگان جهت سنجش و تأیید محتویات متغیرها و سوالات پژوهش توزیع گردیده است. به اساس سنجش اطلاعات جمع‌آوری شده از این آزمون، میانگین کلی بدست آمده برای متغیرهای مستقل و وابسته به ترتیب ۰.۷۵ و ۰.۸۲ که در سطح قابل قبول می‌باشد. زیرا که بر اساس جدول لاوشه (۱۹۷۵) حد اقل مقدار سی وی آر لازم برای ارزیابی ۱۵ ارزیاب برابر با ۰.۴۹ می‌باشد. این پژوهش با بهره‌گیری از ابزار پرسش‌نامه بر روی نمونه‌ی ۳۵۷ نفری از ساکنین بالاتر از ۱۵ سال محله چنداول که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه دریافت و از جامعه آماری به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای اطلاعات اخذ و پژوهش انجام یافته است.

بحث و تحلیل یافته‌های پژوهش

توصیف داده‌ها

در این قسمت نتایج و یافته‌های بدست آمده در اثر اندازه‌گیری متغیرهای جمعیت‌شناختی با استفاده از روش‌های آمار توصیفی توزیع و بیان می‌شوند. انجام پژوهش در این بخش به هدف تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط جهت ارائه‌ی نمای کلی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان بوده که این امر سبب شناخت کلی جامعه آماری و نحوه توزیع آن می‌گردد. جهت نیل به این مامول ابتدا داده‌های مربوط با ویژگی‌های اجتماعی پاسخگویان از قبیل سن، جنس، وضعیت تحصیلی، وضعیت شغلی، مدت اقامت در محله، وضعیت سکونت توام با نحوه توزیع آن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به آمار بدست آمده از این پژوهش؛ ۳۰ درصد پاسخگویان در ردیف سنی (۱۵ تا ۳۰)، ۲۴ درصد در ردیف سنی (۳۱ تا ۴۰)، ۲۳ درصد در ردیف سنی (۴۱ تا ۵۰) و همچنان ۲۳ درصد پاسخگویان در ردیف سنی با لاتر از ۵۰ سال قرار گرفته‌اند. همچنان مدت زمان سکونت ۲۹ درصد از پاسخ‌دهندگان در محله کمتر از ۱۰ سال، ۱۳ درصد ۱۱ - ۲۰ سال، ۱۷ درصد ۲۱ - ۳۰ سال و ۴۱ درصد بالاتر از ۳۰ سال بوده است. این پژوهش بر اساس وضعیت تحصیلی در ۵ رده ترتیب گردیده‌اند. ۲۱ درصد بی‌سواد، ۲۰ درصد کمتر از ۱۲، ۱۸ درصد ۱۲ پاس، ۳۹ درصد کارشناسی (لیسانس) و ۲ درصد کارشناسی ارشد (ماستر)، می‌باشند. در کل تعداد ۲۹۷ نفر یا ۸۳ درصد پاسخگویان را مردان و متباقی تعداد ۶۰ نفر یا ۱۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهد.

یافته‌های تحلیل استنباطی

آزمون فرضیات و ارتباط درونی متغیرهای پژوهش با استفاده از دو تکنیک آماری؛ ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون صورت گرفته است. تحلیل رگرسیون برای بیان سهم هر یک از متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر ملاک (وابسته) استفاده گردیده که بوسیله آن فرضیه‌های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای تأیید و تصدیق فرضیه‌ها؛ متغیرهای هم‌خوان و مرتبط مورد سنجش قرار گرفته که در سطور زیر به آن پرداخته شده است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: به نظر میرسد که عناصر اساسی هویت بخش بافت تاریخی محله عبارت‌اند از، اماکن مذهبی و فرهنگی، بناهای ارزشمند معماری و تاریخی، انجام مراسم مذهبی و فرهنگی خاص محلی بوده، مرمت و بهسازی اماکن تاریخی سبب بهبود کیفیت محیطی و احیای هویت گذشته محله می‌گردد.

-سنجش رابطه میان متغیر مستقل کیفیت محیطی (مرمت و بهسازی بافت های تاریخی و فرسوده) و هویت شهری (محله ی)

جدول شماره ۴، نشان دهنده ضریب همبستگی پیرسون بین کیفیت محیطی و هویت شهری میباشد. نتایج حاصله از این جدول مبین این است که رابطه معنادار میان هردو متغیر؛ کیفیت محیطی و هویت شهری (محله ی) وجود دارد. با توجه به ضریب بدست آمده، میتوان نتیجه گرفت که بین کیفیت محیطی و هویت شهری (محله ی) همبستگی مثبت و رابطه معنادار وجود دارد ($p < 0.05$). طوریکه دیده میشود ضریب بدست آمده برابر با (۰.۳۴) با سطح معناداری ($p = 0.000$) بوده که بیانگر وجود رابطه میان دو متغیر مذکور میباشد. میتوان اذعان داشت که با بهبود کیفیت محیط شهری از طریق مرمت و بهسازی بافت های تاریخی و فرسوده هویت محله افزایش می یابد.

جدول شماره ۴: ضریب همبستگی پیرسون میان کیفیت محیطی و هویت شهری (محله ی)

متغیر وابسته (شهری)					متغیر مستقل، کیفیت محیطی
کل					میانگین
					انحراف استاندارد
ضریب همبستگی					سطح معناداری
مقدار ضریب تشخیص (R^2)					
۳.۹۹۸					۰.۵۸
۰.۳۴					۰.۰۰۰
۰.۱۱۴					

-سنجش رابطه میان متغیر مستقل تقویت عناصر خاطره انگیز (اماکن تاریخی با هنر معماری، مکان های فرهنگی و مذهبی، مکان های تفریحی) و هویت شهری (محله ی)

برای آزمون این فرضیه، متغیر مستقل تقویت عناصر خاطره انگیز با متغیر وابسته هویت شهری مورد سنجش قرار گرفته است. نظر به اینکه مقیاس هردو این متغیرها از نوع رتبه ای می باشند؛ برای سنجش رابطه بین متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر اساس جدول شماره ۵، مقدار همبستگی برابر با (۰.۲۳۵) با سطح معناداری ($p = 0.000$)، کوچک تر از سطح معناداری پیش فرض ($p < 0.05$)؛ حاکی از وجود همبستگی و رابطه معنادار میان متغیرها میباشد.

جدول شماره ۵: ضریب همبستگی پیرسون میان تقویت عناصر خاطره انگیز و هویت شهری (محله ی)

متغیر وابسته (شهری)					متغیر مستقل، تقویت عناصر خاطره انگیز
کل					میانگین
					انحراف استاندارد
ضریب همبستگی					سطح معناداری
مقدار ضریب تشخیص (R^2)					
۴.۷۲					۰.۶۱۷
۰.۲۳۵					۰.۰۰۰
۰.۰۵۵					

فرضیه دوم: به نظر میرسد که میان متغیرهای سابقه سکونت (مدت اقامت افراد در محله)، مشارکت اجتماعی، احساس امنیت و آسایش شهروندان در محله، دسترسی به خدمات و نفوذ پذیری، مالکیت مسکن، میزان تحصیلات و درآمد افراد با تعلق مکانی و اجتماعی ساکنین و هویت محله رابطه وجود دارد.

-سنجش رابطه میان متغیر مستقل سابقه سکونت (مدت اقامت افراد در محله) با متغیر وابسته هویت شهری (محله ی)

از آنجا که هر دو متغیر از نوع رتبه بوده و جهت سنجش آن سوالات به صورت بسته و چند گزینه ای مطابق طیف لیکرت مطرح شده است. جهت دریافت همبستگی و رابطه میان متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده است. نظر به نتایج بدست آمده از جدول زیر، مقدار همبستگی میان متغیرها ($R = ۰.۴۵$) با سطح معناداری ($p = 0.000$) مبین وجود

رابطه معنادار میان هر دو متغیر مذکور میباشد. این بدان معناست که تغییرات متغیر وابسته (هویت شهری) تحت تاثیر متغیر مستقل (سابقه سکونت) قرار دارد.

جدول شماره ۶: ضریب همبستگی پیرسون میان سابقه سکونت و هویت شهری (محله ی)

متغیر مستقل، سابقه سکونت افراد					متغیر وابسته (هویت شهری) کل
میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	مقدار ضریب تشخیص (R^2)	
۴.۵۰	۰.۴۹	۰.۴۵	۰.۰۰۰	۰.۲۰	

-سنجش رابطه میان متغیر مستقل میزان مشارکت اجتماعی (ارتباطات و تعاملات اجتماعی) با متغیر وابسته هویت شهری (محله ی) جدول شماره ۷، نشان دهنده ضریب همبستگی پیرسون بین میزان مشارکت اجتماعی (ارتباطات و تعاملات اجتماعی) و هویت شهری می باشد. نتایج بدست آمده از این جدول حاکی از این است که رابطه مثبت و معنادار میان مشارکت اجتماعی و هویت شهری وجود دارد. نظر به سنجش های صورت گرفته، میانگین بدست آمده (۴.۴۵) و ضریب همبستگی ($R = 0.472$) با سطح معناداری ($P = 0.000$)، بیانگر رابطه مثبت میان دو متغیر مذکور میباشد. زیرا سطح معناداری کامل (۰.۰۰۰) میباشد. با توجه به نکات فوق، میتوان نتیجه گرفت که با افزایش میزان مشارکت اجتماعی از طریق تقویت تعاملات اجتماعی ساکنین احساس هویت و دلبستگی به محله افزایش می یابد. نظر به سطح معناداری متغیرهای فوق، فرضیه فوق مورد تأیید قرار می گیرد.

جدول شماره ۷: ضریب همبستگی پیرسون میان میزان مشارکت اجتماعی و هویت شهری (محله ی)

متغیر مستقل، میزان مشارکت اجتماعی (ارتباطات و تعاملات اجتماعی)					متغیر وابسته (هویت شهری) کل
میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	مقدار ضریب تشخیص (R^2)	
۴.۴۵	۰.۴۳	۰.۴۷۲	۰.۰۰۰	۰.۲۲۳	

-سنجش رابطه میان متغیر مستقل (احساس امنیت و آسایش شهروندان در محله) با متغیر وابسته هویت شهری (محله ی)

جدول شماره ۸، آزمون رابطه میان احساس امنیت و آسایش شهروندان در محله پاسخگویان با هویت شهری را نشان میدهد. با توجه به رتبه ای بودن متغیر فوق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می شود. نتایج بدست حاصل شده از این آزمون حاکی از این است که رابطه معنادار بین متغیر مستقل احساس امنیت و آسایش شهروندان در محله و هویت شهری وجود دارد. در مورد؛ میانگین بدست آمده (۳.۷) و ضریب همبستگی ($R = 0.54$) با سطح معناداری ($P = 0.000$)، بیان گر رابطه قوی مثبت میان دو متغیر مذکور میباشد. زیرا سطح معناداری کمتر از (۰.۰۵) می باشد، با توجه به سطح ضرایب همبستگی و معناداری فرضیه مذکور مورد تأیید قرار میگیرد.

جدول شماره ۸: ضریب همبستگی پیرسون میان احساس امنیت و آسایش شهروندان در محله و هویت شهری

متغیر مستقل، احساس امنیت و آسایش شهروندان در محله					متغیر وابسته (هویت شهری) کل
میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	مقدار ضریب تشخیص (R^2)	
۳.۷	۰.۷۶	۰.۵۴	۰.۰۰۰	۰.۲۹۶	

-سنجش رابطه میان متغیر مستقل میزان دسترسی به خدمات و نفوذ پذیری با متغیر وابسته هویت شهری (محله ی) جدول شماره ۹، نشان دهنده ضریب همبستگی پیرسون میان متغیر مستقل دسترسی به خدمات و نفوذ پذیری و متغیر وابسته هویت شهری می باشد. نتایج بدست آمده مبین این امر است که رابطه منفی و معنادار میان دسترسی به خدمات و نفوذ پذیری

و هویت شهری وجود دارد. نظر به سنجش های صورت گرفته، میانگین بدست آمده (۲.۹۴) و ضریب همبستگی ($R = -0.133$) با سطح معناداری ($P = 0.011$)، بیانگر رابطه معکوس و معنادار میان دو متغیر مذکور میباشد.

جدول شماره ۹: ضریب همبستگی پیرسون میان دسترسی به خدمات و نفوذ پذیری و هویت شهری

متغیر وابسته (هویت شهری)					
متغیر مستقل، دسترسی به خدمات و نفوذ پذیری	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	مقدار ضریب تشخیص (R^2)
کل	۲.۹۴	۰.۷۸	-۰.۱۳۳	۰.۱۱	۰.۱۸

-سنجش رابطه میان متغیر مستقل مالکیت مسکن با متغیر وابسته هویت شهری (محله ی) نتایج حاصله از جدول شماره ۱۰، حاکی از این است که مقدار ضریب همبستگی ($R = 0.063$) با سطح معناداری ($P = 0.239$) میان این دو متغیر بوده که نشان دهنده میزان همبستگی نا چیز و عدم رابطه معنادار میان متغیر مستقل مالکیت مسکن با هویت شهری می باشد. و از سوی مقدار ضریب تعدیل شده یا ضریب تشخیص برابر است با ($R^2 = 0.0039$)، نشاندهنده این است که کمتر از یک درصد از کل تغییرات مربوط به این شاخص می باشد. با توجه به ارقام فوق میتوان چنین نتیجه گرفت که مالکیت مسکن نقش اثر گذار در تبیین هویت محلله ندارد. با توجه به سطح معناداری (۰.۲۳۹) که بزرگتر از سطح معناداری پیش فرض ($P < 0.05$) میباشد، این فرضیه رد میگردد.

جدول شماره ۱۰: ضریب همبستگی پیرسون میان مالکیت مسکن و هویت شهری (محله ی)

متغیر وابسته (هویت شهری)					
متغیر مستقل، مالکیت مسکن	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	مقدار ضریب تشخیص (R^2)
کل	۴.۴۷	۰.۶۳	۰.۰۶۳	۰.۲۳۹	۰.۰۰۳۹

-سنجش رابطه میان متغیر مستقل سطح تحصیل افراد با متغیر وابسته هویت شهری (محله ی) بر اساس جدول زیر، سطح همبستگی بین این دو متغیر در محلله چنداول برابر (۰.۴۷) با سطح معناداری (۰.۰۰۰) بوده که بیان کننده همبستگی تقریباً متوسط بین متغیرها میباشد. نتایج بدست آمده حاکی از این است که این دو متغیر با همدیگر وابستگی در سطح متوسط داشته و در حد متوسطی تغییرات یکدیگر را تبیین میکنند. از طرف دیگر ارتباط این دو متغیر به جهت مستقیم بوده و روی این ملحوظ هر گاه سطح تحصیل افراد افزایش یابد، به طور متوسط میزان دل بستگی و احساس هویت به محلله افزایش می یابد.

جدول شماره ۱۱: ضریب همبستگی پیرسون میان سطح تحصیل و هویت شهری (محله ی)

متغیر وابسته (هویت شهری)					
متغیر مستقل، سطح تحصیل افراد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی	سطح معناداری	مقدار ضریب تشخیص (R^2)
کل	۴.۳۹	۰.۶۴	۰.۴۷	۰.۰۰۰	۰.۲۱۹

-سنجش رابطه میان متغیر مستقل میزان درآمد در محلله با متغیر وابسته هویت شهری (محله ی) نظر به جدول شماره ۱۲، میزان همبستگی بین این دو متغیر در منطقه چنداول شهر کهنه کابل برابر ۰.۳۵۴ بوده که همبستگی تقریباً متوسط را نشان میدهد و این بدین معنا است که این دو متغیر با همدیگر، وابستگی داشته و میزان بالایی از تغییرات یکدیگر را بیان می کنند. از سوی دیگر این دو متغیر دارای رابطه مستقیمی با همدیگر هستند. در نتیجه میتوان اذعان داشت که هرگاه شاخص میزان درآمد افزایش یابد احساس دل بستگی و هویت به مکان نیز افزایش می یابد. این همبستگی در سطح معناداری (۰.۰۰۰)، در سطح ($P = 0.05$) معنادار بوده و رابطه بین دو متغیر قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد.

جدول شماره ۱۲: ضریب همبستگی پیرسون میان میزان درآمد در محلله و هویت شهری

متغیر وابسته (شهری)	هویت	متغیر مستقل، میزان در آمد		
		میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی
کل		۴.۳۴۵	۰.۶۷	۰.۳۵۴
		سطح معنا داری	مقدار ضریب تشخیص (R ²)	۰.۰۰۰
				۰.۱۲۶

نتیجه گیری

پژوهش حاضر تحت عنوان باز آفرینی هویت شهری محلات قدیمی با بهره گیری از اصول فرهنگی در محله تاریخی چنداول شهر کهنه کابل به منظور شناسایی عوامل و شاخص های هویت بخش به صورت ترکیبی (روش مطالعه کتاب خانه ای و مطالعات میدانی) در میعاد زمانی مشخص به روش تحلیلی و توصیفی صورت گرفته است.

این پژوهش هویت محله را در ابعاد مکانی و اجتماعی مورد مطالعه و باز خوانی قرار داده است. همچنان جهت نیل به اهداف مطروحه عوامل چون سابقه سکونت (مدت اقامت در محله)، احساس امنیت و آسایش، مشارکت اجتماعی (ارتباطات و تعاملات اجتماعی)، دسترسی به خدمات و نفوذ پذیری، میزان در آمد، سن افراد، سطح تحصیل افراد، مالکیت مسکن، کیفیت محیطی (مرمت و بهسازی بافت های تاریخی و فرسوده)، تقویت عناصر خاطره انگیز (اماکن تاریخی با هنر معماری، مکان های فرهنگی و مذهبی، مکان های تفریحی)، به عنوان متغیرهای مستقل هویت محله استفاده شده است. هدف از انجام این پژوهش دریافت عوامل مؤثر بر هویت شهری (محله ی) در محله تاریخی چنداول بوده که با به کارگیری از این عوامل و مولفه ها، می توان زمینه ساز احیاء و دستیابی به هویت از دست رفته محله گردید. همچنان جهت آزمون فرضیه های پژوهش در نخست با استفاده از روش همبستگی پیرسون؛ میزان همبستگی و سطح معناداری میان متغیرهای مستقل و وابسته مورد ارزیابی قرار گرفته است.

با توجه به ضرایب بدست آمده از این آزمون می توان چنین نتیجه گرفت که میان همه متغیرهای مستقل به استثنای متغیر (مالکیت مسکن) رابطه همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. ($P < 0.05$)، این درحالیست که میان متغیر مستقل مالکیت مسکن ($P = 0.239$) با متغیر وابسته هویت محله رابطه معنادار مشاهده نه شد، زیرا که ($P > 0.05$) می باشد.

به صورت کل ۸۱ درصد پاسخ دهندگان تمایل زندگی خود را به محله چنداول اعلام کردند. با توجه به پاسخ های ارائه شده ۹۱ درصد پاسخ دهندگان مهم ترین عناصر تاریخی و هویت بخش محله چنداول اماکن فرهنگی و مذهبی با قدمت تاریخی بر شمرده و همچنان حدود ۷۰ درصد پاسخگویان فرسودگی بافت های تاریخی و مسکونی، ۲۰ درصد نبود امکانات کافی و ۱۰ درصد نبود امنیت از جمله مشکلات اساسی این محله تلقی نموده اند. از سوی دیگر، ۶۷ درصد پاسخگویان داشتن خاطرات جمعی و وابستگی به محله را از دلایل اصلی مسکن گزینی درین محیط ابراز داشته اند. همچنان ۸۷ درصد پاسخگویان نقش توسعه و تکامل سیستم های فاضلاب شهری، خدمات برق رسانی و مخابراتی و ترویج فرهنگ پیاده مداری در پایداری زیست محیطی و تقویت هویت محله را مهم دانسته اند، ۵۶ درصد پاسخ دهندگان خدمات شهری و دسترسی به فضاهای شهری درین محله را پاسخگوی نیازمندی های محلی ندانسته اند که این امر سبب تضعیف نقش رنگ تعلق به مکان گردیده است. ۷۲ درصد پاسخ دهندگان مرمت و بهسازی بافت های تاریخی و فرسوده را از علل مهم دستیابی به هویت محله و دل بستگی به مکان عنوان نموده اند که نقش محیط را در حضور پذیری افراد متعالی می سازد.

در کل، ۷۲ درصد پاسخ دهندگان موافقت خود را با طیف های این گرایش بیان داشته اند، این بدین معنا است که شاخص کیفیت محیطی از طریق مرمت و بهسازی بافت های تاریخی و فرسوده سبب ارتقا و بهبود هویت محله گردیده و نقش محیط را در حضور پذیری افراد متعالی می سازد. نکته قابل تامل اینکه؛ ۹۳ درصد پاسخگویان تقویت هویت محله را از طریق ایجاد روابط خویشاوندی میان باشندگان بومی و مهاجر در محله تاریخی چنداول به عنوان راه حل مطلوب ارائه داشته اند. در پیوند به تحقق فرضیه اول؛ نتایج بدست آمده از سنجش رابطه میان متغیر تقویت عناصر خاطره انگیز (اماکن تاریخی با هنر معماری، مکان های فرهنگی و مذهبی، مکان های تفریحی) و هویت شهری (محله ی) حاکی از این است که همبستگی و رابطه معنادار میان این دو متغیر وجود دارد. این بدین معناست که با تقویت نماد ها و عناصر خاطره انگیز در محله زمینه احیاء و تداوم خاطرات و هویت تاریخی میسر می

گردد. در رابطه به متغیر هویت اجتماعی و هویت شهری (محلہ ی)، نتایج پژوهش حاکی وجود رابطه قوی و معنادار میان دو متغیر مذکور بود. طوریکه، مقدار ضریب همبستگی میان این دو متغیر برابر ($R = 0.862$) با سطح معناداری ($P = 0,000$)، بیانگر وجود همبستگی بسیار قوی و مثبت و رابطه معنادار میان هردو متغیر میباشد. از طرف دیگر مقدار ضریب تشخیص یا R^2 تعدیل شده بدست آمده ($R^2 = 0.74$) بوده، این بدین معنا است که ۷۴ درصد از متغیر هویت محلہ ی توسط متغیر هویت اجتماعی تبیین و پیش بینی می گردد. به صورت کل، نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهشات انجام شده محققین که در پیشینه پژوهش از ایشان نام برده شد، همسو می باشد.

محدودیت های پژوهش

- ۱- دشوار ترین محدودیت در انجام این پژوهش عدم دسترسی به منابع لازم پیرامون موضوع هویت شهری در کشور عزیز ما افغانستان بوده که این امر محقق را به چالش مواجه می سازد؛
- ۲- حساسیت پاسخ دهندگان رابطه به سوالات جمعیت شناختی پژوهش مانند (مذهب، طبقه اجتماعی و سطح درآمد)؛
- ۳- وجود چالش های امنیتی در محیط که انجام مطالعات و پژوهشات میدانی را دشوار ساخته و محقق این ناحیه رنج زیادی را متقبل شده است.

پیشنهاد های پژوهشی

- حفظ هویت و ارتقای کیفیت زندگی در بافت قدیمی و فرسوده محلہ از طریق مرمت و بهسازی اماکن ارزشمند تاریخی و مذهبی؛
- تقویت تعاملات اجتماعی از طریق نهادینه شدن فرهنگ پیاده مداری به منظور دستیابی به محیط شهری مطلوب و هویت بخشی به آن، حفظ و تقویت عناصر خاطره انگیز و هویت بخش مانند (پارک و فضاهای تفریحی، سینمایی محدود، مساجد و ابنیه های تاریخی)؛
- ایجاد فضاهای مکث جهت تعاملات اجتماعی و بازسازی میدان ها و کلیه فضاهایی که در گذشته به عنوان فضای مکث از آن بهره می بردند؛
- ارتقای سطح خدمات در محدوده بافت تاریخی شهر با هدف افزایش دسترسی ساکنین و همچنین افزایش تمایل به حضور در بافت محلہ؛
- شناسایی عناصر و بناهای با ارزش تاریخی و ارتقای وضعیت آنها با حفظ ارزش و هویت بنا که نقش مهمی در ایجاد هویت در بافت تاریخی خواهد داشت؛
- ایجاد زیر ساخت های مورد نیاز در بافت جهت اصلاح وضع موجود بافت و همچنان پایدار نمودن و مقاوم سازی اماکن ارزشمند و تاریخی محلہ با استفاده از معماری با هویت؛
- حفظ و نگهداری بناهایی که از هویت و ارزش تاریخی برخوردار هستند؛
- تعریض مسیر سواره با استفاده از رفع موانع موجود به منظور تقویت هماهنگی عملکردی و محیطی؛
- افزایش روشنایی محدوده های عبور و مرور از طریق نوردهی منظم به خصوص نور پردازی مناسب در شب جهت ایمن سازی محدوده؛
- هدایت جریان آب های باران و کانال های فاضلاب با اتصال آن به کانال های عمومی خروجی.

فهرست منابع و مؤخذ

منابع فارسی:

- اصغری، مرضیه، ۱۳۹۴، بازآفرینی پایدار هویت محلات قدیمی در واکاوی ابنیه تاریخی، نمونه موردی: محلہ امام زاده یحیی تهران، سومین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران.

- احمدی فرزانه، ساجده سندگل و الهام سعادت فر، ۱۳۹۳، بررسی معیارهای مؤثر بر سرزندگی اجتماعی در بافت های فرسوده شهری، بافت فرسوده آبکوه، مشهد، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت خوانش هویت ایرانی اسلامی در معماری و شهرسازی، مشهد، موسسه آموزش عالی خاوران.
- آئینی محمد، ۱۳۸۷، بازآفرینی بافت های فرسوده و نابسامان شهری، چالش ها، فرصت ها و پیشنهاد استراتژی های مناسب؛ مداخله با استفاده از تکنیک سوات. همایش سیاست ها توسعه مسکن در ایران. جلد اول. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی - معاونت امور مسکن و ساختمان - دفتر برنامه ریزی و اقتصاد مسکن.
- اژدری تشریق، آیت الله، ۱۳۸۳، اصول و معیارهای بازسازی و بهسازی بافت قدیم، مطالعه موردی محله جولان همدان، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته شهرسازی برنامه ریزی شهری و منطق های، استاد راهنما: دکتر مصطفی عباس زادگان، دانشگاه علم و صنعت.
- بذر گر محمد رضا، ۱۳۹۶، بررسی نقش المانهای شهری در تقویت هویت کالبدی؛ مطالعه موردی: شهر شیراز، نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال هشتم، شماره سیام، تهران، دانشگاه شیراز.
- بحرینی سیدحسین، ایزدی محمد سعید، مفیدی مهرانوش، ۱۳۹۲، رویکردها و سیاست های نوسازی شهری از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار، فصلنامه مطالعات شهری، ۱۷-۲۹.
- بهزادفر مصطفی، ۱۳۸۶، هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران، مؤسسه نشر شهر، چاپ دوم، تهران.
- بذر گر محمد رضا، ۱۳۸۳، باز شناسی هویت شهری، مجموعه مقالات همایش مسایل شهرسازی ایران، جلد اول: ساخت شهری، شیراز، دانشگاه شیراز.
- پوراحمد احمد، حبیبی کیومرث و کشاورز مهناز، ۱۳۸۹، سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت های فرسوده شهری، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. (۱)، ۹۲ - ۷۳.
- پامیر، ساری، ۱۳۸۹، آفرینش مرکز شهری سرزنده اصول طراحی شهری و بازآفرینی، ترجمه: بهزادفر، مصطفی، شکبیا منش، امیر، تهران، دانشگاه علم و صنعت.
- تیزدل استیون، اک تر و هیث تیم، ۱۳۷۹، به سوی احیای موفقیت آمیز محله های تاریخی شهر، مترجم: خادمی، حمید، تهران، فصل نامه هفت شهر، شماره ۱.
- تیزدل استیون، تر اک و هیث تیم، ۱۳۷۹، ارزیابی مجدد کیفیت محله های تاریخی شهری، ترجمه: خادمی، حمید، فصل نامه هفت شهر، شماره ۲.
- حناچی پیروز و فدایی نژاد سمیه، ۱۳۹۰، تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت های فرهنگی - تاریخی. نشریه هنرهای زیبا، ۵-۴۶-۱۵.
- حبیبی سید محسن و سید برنجی سید کهربا، ۱۳۹۲، رابطه بین خاطره انگیزی و مشارکت اجتماعی در بازآفرینی هویت شهری، نمونه موردی: میدان شهرداری رشت، نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره صفحه مقاله: ۳۴۲-۳۲۷.
- حبیبی سید محسن و مقصودی ملیحه، ۱۳۸۶، مرمت شهری: تعاریف، نظریه ها، تجارب، منشورها و قطع نامه های جهانی، روش ها و اقدامات شهری، تهران: دانشگاه تهران.
- رحمانی جواد و پورجعفر محمدرضا ۱۳۹۵، تحلیل و بررسی شاخص های موثر در هویت محله، نمونه موردی: محله مسگرهای شهر زنجان، نشریه معماری و شهرسازی پایدار، دوره ۴، شماره ۱.
- ربانی رسول، کریمی زاده اردکانی سمیه و نظری جواد، ۱۳۸۹، بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی شهرهای جدید، مطالعه موردی: شهر پردیس تهران، فصل نامه مطالعات ملی؛ ۴۳، سال یازدهم، شماره ۳.

- زیاری کرامت الله، بیرانوند مریم و ابراهیمی سمیه، ۱۳۸۷، ارائه الگوی بهینه بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری نمونه موردی: شهریزد، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری، مشهد مقدس ۲۰ و ۲۱ ماه.
- شاهسمندی احمد سمیر، سیاهوی ع حمیدرضا (۱۳۹۹)، باز طراحی بافت های فرسوده شهری با رویکرد توانمندسازی و مشارکت مردم نمونه موردی: (شهر کهنه کابل محله چنداول)، فصلنامه علمی پژوهشی شهرسازی و مهندسی، دوره اول، شماره اول، ص ۱۱۱ - ۸۲.
- عزیزاده شیوا، رسول زاده زهرا و کاظمی مینا، ۱۳۹۷، تحلیل ساختار فضایی-کالبدی بافت فرسوده شهری با رویکرد نوسازی و بهسازی، کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام، تبریز.
- فراشپانی، علی اکبر، ۱۳۹۵، شناسایی و تبیین شاخص های موثر بر هویت محله ی در شهر جدید پردیس، دومین کنفرانس بین المللی، ایران، تهران.
- کاظمی زهرا و جانی پور بهروز، ۱۳۹۴، اصول و معیارهای مداخله ای و باز آفرینی در بافت های تاریخی، همایش ملی معماری شهرسازی عمران و گردشگری توسعه پایدار شهری، قزوین.
- کیانی اکبر و همکاران، ۱۳۹۸، بررسی هویت بخشی شهر فیروزآباد در بهسازی و نوسازی بافت تاریخی شهرگور با استفاده از تکنیک، SWOT، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۲، شماره ۶، پاییز ۱۳۸۸.
- مولوی ابراهیم و صوفی مریم، ۱۳۹۹، باز آفرینی محلات سنتی با تکیه بر هویت و فرهنگ بومی و شهرسازی ایرانی اسلامی نمونه موردی: محله حاجی همدان، کنفرانس بین المللی عمران، معماری، توسعه و بازآفرینی زیرساخت های شهری در ایران، تهران.
- مقدسی جهرمی، زینب، ۱۳۹۶، اهمیت و چگونگی حفاظت و نگهداری از آثار باستانی و ابنیه تاریخی، کنفرانس پژوهش های معماری و شهرسازی اسلامی و تاریخی ایران، شیراز.
- معلمی، محسن، ۱۳۸۶، هویت شهری، هویت مسکونی، مفاهیم گمشده امروزی، ماهنامه راه و ساختمان، شماره ۴.
- نصر طاهره و ماجدی حمید، ۱۳۹۲، نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی، نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۱.
- نوفل سید علیرضا، کلبادی پازین و پور جعفر محمد رضا، ۱۳۸۸، بررسی و ارزیابی شاخص های مرثر در هویت شهری، نمونه موردی: محله جلقای در شهر اصفهان، نشریه آرمانشهر، دوره ۲، شماره ۳.
- وارثی حمیدرضا، عامل بافنده مهدی و محمدزاده محمد، ۱۳۸۹، بررسی و تحلیل مؤلفه های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید، مطالعه موردی: شهر گلپهار، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۳۶ - ۱۷.

منابع انگلیسی:

- Boussaa, Djamel , 2017, Urban Regeneration and the Search for Identity in Historic Cities, Department of Architecture and Urban Planning, College of Engineering, Qatar University, Msheireb, Doha, Qatar.
- El Zahraa Hussein, Fatma, Stephens, John and Tiwari Reena , 2020, Cultural Memories and Sense of Place in Historic, Urban Landscapes: The Case of Masrah Al Salam, the Demolished Theatre Context in Alexandria, Egypt Department of Architectural Engineering, High Institute of Engineering and Technology, El Behira, Egypt
- Ozlati Elmira, Nasr Tahereh, 2015, Regeneration of Historical Fabrics with the Approach of Mental Image and Memory of the Places, (Case study: Shiraz Historic Pathway "Khaneghah

- Ahmadi"), European Online, Journal of Natural and Social Sciences, Vol.3, No.3, Shiraz, Iran.
- Stobart, Jon, 2004, Building an Urban Identity. Cultural Space and Civic Boosterism in a 'New' Industrial Town: Burslem, Published By: Taylor & Francis, Ltd, Vol. 29, No. 4 , pp. 485-498.
 - Mirmoghtadaee, M. (2009). Possibility Measurement Factors for Formation, Record and Transfer of Collective Memories in City. HONAR-HA-YE-ZIBA, 37.
 - Russell Spears:, Bertjan Doosje (eds) social identity: Context, commitment, content, London :Blackwell Publishers, pp. 6-34. B.
 - Roberts, M. (1998). Urban Design and Regeneration. Introducing Urban Design, Longman.
 - Seyed Berenji, S.K. (2013). Regeneration of Urban Public places, Emphasizing Identity and Collective Memory. Thesis of M.Sa. Degree in Urban Planning & Design. Azad University of Qazvin.
 - Tiesdell s.O C T. & health T. (Eds), ۱۹۹۶, Revitalizing Historic Urban Quarters, Oxford, Architectual Press.